

توبه/۹، ۳۳؛ فتح/۴۸، ۲۸) بر پایه روایاتی از پیامبر ﷺ، پس از بعثت آن حضرت، اندکی از عمر دنیا باقی مانده و فاصله امت مسلمان تا قیامت بسیار کم خواهد بود.<sup>۴</sup> بر این اساس، بعثت پیامبر خاتم ﷺ سرآغاز آخرالزمان است.<sup>۵</sup> نیز در روایاتی فراوان، آخرالزمان بر دوره پایانی مقارن با ظهور حضرت مهدی ﷺ اطلاق شده است.<sup>۶</sup>

روایات مربوط به آخرالزمان که از طریق شیعه<sup>۷</sup> و اهل سنت<sup>۸</sup> نقل شده، بیشتر ناظر به حوادث و فتنه‌های آن دوران است. بر پایه برخی از این روایات، حتی کعبه از آن فتنه‌ها در امان نخواهد بود و ویران خواهد گشت.<sup>۹</sup> به رغم همه خبرهای نگران‌کننده<sup>۱۰</sup> و وقوع فتنه‌ها و آشوب‌ها، گروهی از مردم آن زمان، بهترین مردم دانسته شده‌اند.<sup>۱۱</sup>

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۹؛ التبیان، ج ۷، ص ۴۵۷؛ نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۱۹-۶۲۱.

۴. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۶-۱۱.

۵. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۸۰؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۷؛ ج ۹، ص ۳۱۹؛ ج ۴۰، ص ۱۷۷؛ التحریر والتنویر، ج ۲۶، ص ۱۰۴.

۶. کفایة الاثر، ص ۱۳۵؛ کشف الغم، ج ۳، ص ۲۶۸؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۸.

۷. الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴.

۸. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۷۹؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۹.

۹. مسند احمد، ج ۲، ص ۳۱۰.

۱۰. هزاره گرای، ص ۲۵؛ نجات بخشی در ادیان، ص ۱۳-۱۴.

۱۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴-۱۲۵.

## آخر الزمان: رخدادهای بخش پایانی

حیات دنیا [در مکه و مدینه]

آخر به معنای بخش پایانی هر مجموعه است.<sup>۱</sup> زمان نیز به معنای ساعات شبانه روز، وقت کم یا زیاد، مقدار حرکت، عصر، روزگار و عمر جهان آمده است.<sup>۲</sup> این‌جا، مقصود از زمان، روزگار و عمر جهان است؛ پس آخرالزمان به معنای «بخش پایانی حیات دنیا» است. گرچه آخرالزمان مفهومی عام است که رویدادهایی مهم در آن به وقوع می‌پیوندد، آنچه این‌جا بدان می‌پردازیم، حوادث مهم مکه و مدینه در این دوره است.

از منظر قرآن کریم، سرانجام دنیا روشن است و به انسان‌های مؤمن و صالح بشارت جانشینی خداوند در روی زمین، استقرار

دین خداپسند در جهان، دستیابی به امنیت کامل و نابودی شرک داده شده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾. (نور/۲۴، ۵۵؛ نیز:

۱. الکلیات، ج ۱، ص ۸۳.

۲. لسان العرب، ج ۶، ص ۸۶؛ «زمین»؛ لغت نامه، ج ۸، ص ۱۱۳۶۹.

«زمان».

## ◀ مهم‌ترین رخدادهای مکه و مدینه در آخر الزمان

۱. بعثت پیامبر خاتم ﷺ: براساس آیه «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا...» (محمّد/۴۷، ۱۸) نزول آخرین شریعت که با بعثت پیامبر اکرم ﷺ تحقق یافته، نخستین نشانه آخر الزمان و پایان تاریخ به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> نیز آیه «اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ» (قمر/۵۴، ۱) به نزدیکی قیامت و فاصله اندک میان بعثت پیامبر آخر الزمان و قیامت اشاره دارد.<sup>۲</sup> از این رو پیامبر اکرم، پیامبر آخر الزمان نامیده شده است.<sup>۳</sup> براساس روایتی، رسول خدا ﷺ با کنار هم نهادن دو انگشت سبّابه و میانی خود، به مردم فرمود: فاصله بعثت من با برپایی قیامت مانند فاصله اندک میان این دو انگشت است. بر پایه روایتی دیگر، روزی پیامبر ﷺ نزدیک غروب آفتاب فرمود: مقدار باقی مانده از عمر دنیا نسبت به عمر سپری شده آن، مانند باقیمانده عمر امروز از این هنگام است.<sup>۴</sup> افزون بر منابع اسلامی، در برخی از متون ادیان پیشین نیز از پیامبر اکرم ﷺ به عنوان پیامبر خاتم و آخر الزمان یاد شده؛

چنان‌که در برخی گزارش‌ها آمده که یهود در کتاب‌های خود یافته بودند که هجرت پیامبر خاتم در محلی میان کوه عیر\* و أحد خواهد بود. بدین دلیل، گروهی از آنان از فلسطین به این منطقه که همان مدینه بود، هجرت کردند تا در شمار اصحاب پیامبر آخر الزمان قرار گیرند؛ گرچه وقتی در یافتند او از اولاد اسماعیل ﷺ است، به مخالفت و دشمنی با وی برخاستند. قرآن در آیه «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» (بقره/۲، ۸۹) به همین ماجرا اشاره کرده است.<sup>۵</sup>

۲. دوری از معنویت: بر پایه روایتی از رسول خدا ﷺ، فراگیر شدن ستم و بیداد از بارزترین نشانه‌های آخر الزمان است. حدیث معروف «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» به همین نکته اشاره دارد.<sup>۶</sup> در آیه «اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ» (انبیاء/۲۱، ۱) بیشتر مردم آخر الزمان، با ویژگی غفلت و رویگردانی از خداوند شناسانده شده‌اند.<sup>۷</sup> بر پایه روایتی، حتی حج مردم از معنویت تهی می‌گردد. پیامبر ﷺ فرمود: در آخر الزمان حج گزاران در پی مقاصدی هستند:

۵. الکافی، ج ۸، ص ۳۰۸-۳۱۰؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۹-۵۰.  
 ۶. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶۵؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۴۰؛  
 التحریر والتنویر، ج ۱۷، ص ۹؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۳۸.  
 ۷. التفسیر الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۱۸-۱۱۹؛ التحریر والتنویر، ج ۱۷، ص ۹.

۱. الفرقان، ج ۲۷، ص ۱۰۹.  
 ۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۳۱۱-۳۱۲.  
 ۳. کمال الدین، ص ۱۹۰؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۷؛ تحفة الاحوذی، ج ۶، ص ۳۸۱.  
 ۴. مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۳۱۱؛ فتح الباری، ج ۱۱، ص ۳۰۱.

اهل سنت<sup>۷</sup> آیه ۵۱ سبأ/۲۴ را ناظر به هلاکت لشکر سفیانی در «بیداء» دانسته‌اند. براساس روایتی، هنگام حمله سپاه سفیانی به مدینه، امام زمان علیه السلام با شمشیر، زره و عمامه پیامبر صلی الله علیه و آله از مدینه به سوی مکه حرکت می‌کند و قیام ایشان از مکه آغاز می‌شود و هر یک از فرزندان علی علیه السلام که در مدینه باشد، به مکه می‌رود و به او می‌پیوندد.<sup>۸</sup> هنگامی که خبر قیام حضرت مهدی علیه السلام به فرمانده سپاه سفیانی می‌رسد، لشکری را برای تعقیب او به سوی مکه گسیل می‌کند. این لشکر پیش از رسیدن به مکه، در سرزمین بیداء به امر الهی در زمین فرومی‌رود.<sup>۹</sup> بر پایه روایتی، دو برادر به نام‌های بشیر و نذیر از این لشکر باقی می‌مانند. به فرمان جبرئیل، نذیر به سوی دمشق می‌رود و سفیانی را به ظهور حضرت مهدی علیه السلام ائذار می‌کند و خبر هلاکت سپاهیان در بیداء را به او می‌رساند و بشیر نیز به فرمان جبرئیل به سوی مهدی علیه السلام در مکه می‌رود و او را به هلاکت ظالمان بشارت می‌دهد و نزد وی توبه می‌کند.<sup>۱۰</sup>

امام باقر علیه السلام در تأویل **﴿حم \* عسق﴾**

۷. جامع البیان، ج ۲۲، ص ۱۲۹؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۵۵۲؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۴۱.  
 ۸. الکافی، ج ۸، ص ۲۲۵.  
 ۹. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۵؛ البرهان، ج ۲، ص ۸۸؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۸۶.  
 ۱۰. الهدایة الكبرى، ص ۳۹۸؛ تفسیر اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۵۵۱.

ثروتمندان در پی تجارت، فقیران در پی گدایی، قاریان قرآن در پی ریاکاری و صاحب منصبان و قدرتمندان در پی زینت و خوش گذرانی.<sup>۱</sup>

### ۳۷. خروج سفیانی: مفسران در شرح

آیه ۵۱ سبأ/۳۴ ظهور سفیانی همراه با سپاهی طغیانگر در سرزمین‌های اسلامی را از نشانه‌های آخرالزمان و در زمره اشراط الساعه<sup>\*</sup> برشمرده‌اند.<sup>۲</sup> در روایات شیعه و سنی، نام رهبر این سپاه، سفیانی ذکر شده است؛<sup>۳</sup> زیرا از فرزندان ابوسفیان است.<sup>۴</sup> براساس روایتی از رسول خدا، سفیانی از وادی یابس (اردن) برمی‌خیزد و سپاهی را به سوی شرق و سپاهی دیگر را به سوی مدینه می‌فرستد. این سپاه سه شبانه‌روز مدینه را غارت می‌کند. سپس راهی مکه می‌شود و هنگام رسیدن به صحرای «بیداء»<sup>\*</sup> به فرمان خداوند، زمین لشکر سفیانی را در کام خود فرومی‌برد.<sup>۵</sup> بسیاری از مفسران شیعه<sup>۶</sup>

۱. عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۲۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۰.  
 ۲. جامع البیان، ج ۲۲، ص ۱۲۹؛ روض الجنان، ج ۱۶، ص ۸۵؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۴۰.  
 ۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۷؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۴۰.  
 ۴. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۸۴؛ فیض القدیر، ج ۴، ص ۱۶۸؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۸۸.  
 ۵. تفسیر تعلیمی، ج ۸، ص ۹۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶؛ روض الجنان، ج ۱۶، ص ۸۵.  
 ۶. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۹۱.

(شوری/۴۲، ۱-۲) فرمود: «حم» به قضای حتمی الهی، «عین» به عذاب پروردگار، «سین» به زود هنگام بودن عذاب الهی و «قاف» به قذف و مسخ سپاه سفیانی در آخرالزمان اشاره دارد. به فرموده آن امام، همزمان با فرورفتن لشکر سفیانی در «بیداء» حضرت ولی عصر<sup>ع</sup> در مکه ظهور خواهد کرد.<sup>۱</sup>

**۴.۴. اختلاف و درگیری:** بر پایه برخی روایات، در آخرالزمان اختلاف‌ها و جنگ‌های فراوان رخ خواهد داد و دامنه این ناآرامی‌ها حتی مکه و مدینه را فرا می‌گیرد؛<sup>۲</sup> به گونه‌ای که حج گزاران نیز از این اختلاف در امان نمی‌مانند و آنان نیز در منا به یکدیگر حمله می‌کنند.<sup>۳</sup> براساس روایتی دیگر، پس از مرگ یکی از پادشاهان حجاز، درگیری و اختلاف تا ظهور صاحب الامر ادامه می‌یابد.<sup>۴</sup> از جمله نشانه‌های فرج در آخرالزمان، آن است که بین حرم مکه و مدینه، اهالی دو حرم به علت تعصب قبیله‌ای با یکدیگر درگیر می‌شوند.<sup>۵</sup>

**۵. ظهور حضرت مهدی<sup>ع</sup>:** مهم‌ترین رخداد آخرالزمان که همه مسلمانان آن را باور

دارند، ظهور منجی عالم است.<sup>۶</sup> از نظر شیعه، این منجی دوازدهمین امام و حجت خدا بر روی زمین و اکنون زنده است.<sup>۷</sup> بر پایه روایتی در منابع حدیثی اهل سنت، وی از اهل بیت<sup>ع</sup> و عترت پیامبر و فرزند فاطمه<sup>ع</sup> است.<sup>۸</sup> براساس روایتی از امام باقر<sup>ع</sup> پس از کشته شدن جوانی به نام محمد بن حسن، موصوف به «النفس الزکیه»<sup>۹</sup> از آل محمد<sup>ع</sup> میان رکن و مقام، صدایی از آسمان به گوش می‌رسد و آن‌گاه قائم همان‌جا ظهور می‌کند<sup>۱۰</sup> و به کعبه تکیه می‌زند و ۳۱۳ نفر پیرامونش گرد می‌آیند.<sup>۱۱</sup> مردم مکه می‌دانند اینان اهل آن‌جا نیستند. سپس این‌ها در همه جا به گوش می‌رسد: «این است مهدی. او مانند داود و سلیمان<sup>ع</sup> داوری می‌کند و به بینه نیاز ندارد.»<sup>۱۲</sup> امام باقر<sup>ع</sup> فرمود: گویا به چشم خود مهدی<sup>ع</sup> را می‌بینم که بر حجرالاسود تکیه زده و خدا را به حق خود سوگند می‌دهد و خود را به خدا، آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی<sup>ع</sup> و محمد<sup>ع</sup> و کتاب خدا نزدیک‌تر از همه می‌شمارد. سپس کنار مقام ابراهیم<sup>ع</sup>

۶. شرح اصول الکافی، ج ۱، ص ۳۰۲؛ ج ۶، ص ۲۵۶.

۷. البرهان، ج ۱، ص ۳۴۷-۳۵۵؛ ج ۳، ص ۵۷۶.

۸. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۵؛ ج ۱۴، ص ۲۶۴.

۹. کمال الدین، ص ۳۳۱.

۱۰. کمال الدین، ص ۳۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

۱۱. کمال الدین، ص ۶۷۱؛ الخصال، ص ۶۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۶.

۱. تأویل الآیات، ج ۲، ص ۵۴۲.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۴؛ نور

النقلین، ج ۱، ص ۴۸۶.

۳. عمدة الطالب، ص ۱۰۵؛ عصر ظهور، ص ۲۶۱.

۴. الغیبه، طوسی، ص ۴۴۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

۵. الغیبه، طوسی، ص ۴۴۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۱.

براساس روایتی از امام صادق علیه السلام هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، مسجدالحرام و مسجدالنبی را به بنیان نخست بازمی گردانند.<sup>۶</sup> در روایتی دیگر آمده که مقام ابراهیم را نیز در جایگاه اصلی خود قرار می دهد.<sup>۷</sup> نیز منادی او ندا می دهد: نافله گزاران، باید حجرالاسود و مطاف را به کسانی واگذارند که طواف واجب می کنند.<sup>۸</sup>

▼ ۶. ظهور دجال و نابودی او: بر پایه روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله دجال به مکه و مدینه و حوالی این دو شهر پای نمی نهد<sup>۹</sup> و پس از کشته شدن او به دست حضرت مهدی علیه السلام طامة کبرا (نازعات/۷۹، ۳۴) اتفاق می افتد که به یک گزارش، همان خروج «دابة الأرض» از کنار کوه صفا است. او است که انگشتر سلیمان و عصای موسی علیه السلام را همراه دارد و با نشانه نهادن بر مؤمن و کافر، آنان را مشخص می کند.<sup>۱۰</sup>

#### ◀ منابع

الانوار البهیه: شیخ عباس القمی (م. ۱۳۵۹ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث

رفته، دو رکعت نماز می گزارد و بار دیگر خدا را به حق خود سوگند می دهد.<sup>۱</sup> بر پایه برخی روایات، در این هنگام شماری از مؤمنان به دنیا رجعت می کنند.<sup>۲</sup> به فرموده امام صادق علیه السلام، آن گاه که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، ۲۷ نفر از پشت کوفه بیرون می آیند: ۱۵ نفر از قوم موسی، ۷ نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مقداد، سلمان فارسی، ابودجانة انصاری و مالک اشتر.<sup>۳</sup> نخستین بیعت کننده با قائم علیه السلام جبرئیل است که پس از بیعت، با احاطه بر مسجدالحرام و کعبه، با صدای رسا آیه «أَنِّي أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» (نحل/۱۶، ۱) را قرائت می کند.<sup>۴</sup>

بر پایه روایتی از امام باقر علیه السلام حضرت مهدی علیه السلام شبی را در مکه می گذرانند و صبحگاهان مردم را به کتاب خدا و سنت رسول صلی الله علیه و آله دعوت می کند. گروهی اندک، دعوتش را می پذیرند. ایشان حاکمی بر مکه می گمارد و به سویی حرکت می کند و پس از پیروزی بر مخالفان، مردم را به قرآن و سنت رسول خدا و ولایت علی علیه السلام فرامی خواند و سپس کارگزاری برای مدینه برمی گزیند.<sup>۵</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱.

۲. نک: بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۸-۵۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۰؛ الانوار البهیه، ص ۳۸۴.

۴. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۴؛ کمال الدین، ص ۶۷۱.

۵. نک: الغیبه، نعمانی، ص ۱۸۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱-۳۴۲.

۶. الغیبه، طوسی، ص ۴۷۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۷. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۶۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۸. الکافی، ج ۴، ص ۴۲۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴.

۹. الخرائج، ج ۳، ص ۱۱۴۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۶-۱۹۷.

۱۰. الخرائج، ج ۳، ص ۱۱۳۶؛ بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۳۲۶.

العربي، ۱۴۰۳ق؛ البرهان في تفسير القرآن: البحراني (م. ۱۱۰۷ق.)، قم، البعثه، ۱۴۱۵ق؛ تاريخ طبري (تاريخ الامم و الملوك): الطبري (م. ۳۱۰ق.)، به كوشش گروهی از علما، بيروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ تأويل الآيات الظاهره: سيدشرف الدين علي الحسيني الاستر آبادی (م. ۹۶۵ق.)، مدرسة الامام المهدي، قم، ۱۴۰۷ق؛ التبيين: الطوسي (م. ۴۶۰ق.)، به كوشش العاملی، بيروت، دار احیاء التراث العربي؛ التحرير و التنوير: ابن عاشور (م. ۳۹۳ق.)، تونس، الدار التونسيه، ۱۹۹۷م؛ تحفة الاحوذی: المبارك فوری (م. ۳۵۳ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۰ق؛ تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم): ابن كثير (م. ۷۷۴ق.)، به كوشش مرعشلي، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۰۹ق؛ تفسير اثني عشری: حسين حسيني شاه عبدالعظيمي، تهران، ميقات، ۱۳۶۳ش؛ تفسير العياشي: العياشي (م. ۳۲۰ق.)، به كوشش رسولي محلاتي، تهران، المكتبة العلمية الاسلاميه؛ تفسير القمي: القمي (م. ۳۰۷ق.)، به كوشش الجزائري، قم، دار الكتاب، ۱۴۰۴ق؛ التفسير الكبير: الفخر الرازي (م. ۶۰۶ق.)، قم، دفتر تبليغات، ۱۴۱۳ق؛ تفسير ثعلبي (الكشف والبيان): الثعلبي (م. ۴۲۷ق.)، به كوشش ابن عاشور، بيروت، دار احیاء التراث العربي، ۱۴۲۲ق؛ تفسير شريف لاهيجي: شريف لاهيجي (م. ۱۰۸۸ق.)، به كوشش حسيني و آيتي، علمي، ۱۳۶۳ش؛ جامع البيان: الطبري (م. ۳۱۰ق.)، به كوشش صدقي جميل، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق؛ الخرائج والجرائح: الراوندي (م. ۵۷۳ق.)، قم، مؤسسة الامام المهدي (ع. ۱۲۰۰)؛ الخصال: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به كوشش غفاري، قم، نشر اسلامي، ۱۴۱۶ق؛ الدر المنثور: السيوطي (م. ۹۱۱ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۴ق؛ روض الجنان: ابوالفتوح رازي

(م. ۵۵۴ق.)، به كوشش ياحقي و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوي، ۱۳۷۵ش؛ سنن ابن ماجه: ابن ماجه (م. ۲۷۵ق.)، به كوشش محمد فؤاد، بيروت، دار احیاء التراث العربي، ۱۳۹۵ق؛ شرح اصول كافي: محمد صالح مازندراني (م. ۱۰۸۱ق.)، به كوشش سيد علي عاشور، بيروت، دار احیاء التراث العربي، ۱۴۲۱ق؛ صحيح البخاري: البخاري (م. ۲۵۶ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۱ق؛ صحيح مسلم: مسلم (م. ۲۶۱ق.)، بيروت، دار الفكر؛ عصر الظهور: علي الكوراني العاملي، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۸ق؛ عمدة الطالب: ابن عنبه (م. ۸۲۸ق.)، به كوشش محمد حسن، نجف، مكتبة الحيدريه، ۱۳۸۰ق؛ عوالي اللئالي: ابن ابي جمهور (م. ۸۸۰ق.)، به كوشش عراقي، قم، سيدالشهداء، ۱۴۰۳ق؛ الغيبة: الطوسي، به كوشش تهراني و ناصح، قم، مؤسسة المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۱ق؛ الغيبة: النعماني (م. ۳۸۰ق.)، به كوشش فارس حسون، قم، انوار الهدى، ۱۴۲۲ق؛ فتح الباري: ابن حجر العسقلاني (م. ۸۵۲ق.)، بيروت، دار المعرفه؛ الفرقان: محمد صادقي، تهران، فرهنگ اسلامي، ۱۳۶۵ش؛ فيض القدير: المناوي (م. ۱۰۳۱ق.)، به كوشش احمد عبدالسلام، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۵ق؛ الكليات: ابوالبقاء الكفوي (م. ۱۰۹۴ق.)، قاهره، دار الكتاب الاسلامي، ۱۴۱۳ق؛ الكافي: الكليني (م. ۳۲۹ق.)، به كوشش غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش؛ كشف الغمه: علي بن عيسى الاربلي (م. ۹۳ق.)، بيروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵ق؛ كفاية الاثر: علي بن محمد خزاز قمي (م. ۴۰۰ق.)، به كوشش كوه كمری، قم، بيدار، ۱۴۰۱ق؛ كمال الدين: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به كوشش غفاري، قم، نشر اسلامي، ۱۴۰۵ق؛ كنز العمال: المتقي الهندي (م. ۹۷۵ق.)، به كوشش صفوة السقاء،

انجام دادن برخی کارهای مستحب و پرهیز از انجام پاره‌ای کارهای مکروه است؛ هر چند برخی چون شافعی هر کار مطلوب، خواه واجب و خواه مستحب، را از آداب دانسته‌اند.<sup>۲</sup> واژه حرمین\* تشبیه حرم به معنای محیط پیرامون مکان‌های مقدس است<sup>۳</sup> که به طور خاص به حرم مکی و مدنی گفته می‌شود<sup>۴</sup> و هر گاه مطلق به کار رود، به معنای حرم مکی است.<sup>۵</sup> بر پایه روایات، حدود حرم به فرمان خداوند متعالی و از طریق جبرئیل برای ابراهیم علیه السلام مشخص شده<sup>۶</sup> و ایشان نشانه‌هایی را برای شناسایی آن نهاده است.<sup>۷</sup> با این حال، مصادیق حدود حرم در روایات و اقوال فقها دچار اختلاف و معمولاً به طور تقریبی معین شده است.<sup>۸</sup>

مدینه نیز مانند مکه، حرمی معین دارد که شامل مسجد نبوی و مناطق پیرامون آن می‌شود و احکام آن در مواردی با حرم مکه

بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ لغت نامه: دهخدا (م. ۱۳۳۴ش.) و دیگران، تهران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش؛ مجمع الزوائد: الهیثمی (م. ۸۰۷ق.)، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۲ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ معجم احادیث المهدی: علی الکوثرانی، قم، المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق؛ المیزان: الطباطبایی (م. ۱۴۰۲ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق؛ نجات بخشی در ادیان: محمد تقی محصل، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹ش؛ نور الثقلین: العروسی الحویزی (م. ۱۱۱۲ق.)، به کوشش رسولی محلاتی، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ش؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۲ق؛ الهدایة الکبری: حسین بن حمدان الخصیبی (م. ۳۳۴ق.)، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۱ق؛ هزاره گرایسی: حسین توفیقی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ش.

فرج‌الله میرعرب



## آداب الحرمین: مجموعه‌ای از

شایسته‌ها و نشایسته‌های حج‌گزاری و

زیارت مکه و مدینه

آداب جمع ادب و به معنای رسوم و روش‌های پسندیده<sup>۱</sup> و در اصطلاح به مفهوم

۲. البحر الرائق، ج ۱، ص ۵۶؛ القاموس الفقہی، ص ۱۷؛ معجم الفاظ الفقہ الجعفری، ص ۲۲.

۳. العین، ج ۳، ص ۲۲۱؛ لغت نامه، ج ۶، ص ۷۷۸۷؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۵۲۱، «حرم».

۴. جمہرۃ اللغه، ج ۱، ص ۵۲۱؛ لغت نامه، ج ۶، ص ۷۷۹۲، «حرم».

۵. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۶۰؛ معجم لفة الفقہاء، ص ۱۷۸.

۶. المجموع، ج ۷، ص ۴۶۲؛ سبل الہدی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۷. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۶۷؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۱۱.

۸. الحج و العمرة فی الكتاب والسنة، ص ۵۱-۵۵.

۱. لغت نامه، ج ۱، ص ۴۳؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۶، «ادب».